

پیش‌خوران

«اسناد اشغال ایران»

در قالب اثری ۵ جلدی

قطعی، تیفوس، پناهجویان خارجی و حکومتی نظاره‌گر!

■ شاهد توحیدی



دستم‌تپایه تاریخ‌پژوهان در بررسی اوضاع آن مقطع

باشد. تا‌رمای پژوهشکده تاریخ معاصر ایران – که این مجلدات را نشر داده‌است- در معرفی کتاب به نکات پی

آمده اشارت برده است:

«بخش زیادی از مطالب جلد اول ِ بنا عنوان قطعی و بحران غذایی، درباره کمبود مواد غذایی و قطعی گسترده در ایران و شیوع انواع بیماری‌هاست. گزارش‌های این مجلد، مربوط به بازه زمانی آگوست ۱۹۴۱ تا ژوئن ۱۹۴۵ است. جلد دوم بنا عنوان یادداشت‌هایی درباره ایران مانند چند مجلد دیگر، اوضاع نابسامان اقتصادی، کمبود مواد غذایی، وضعیت نامناسب بهداشتی و مشکلات ناشی از ورود پناهجویان لهستانی و شیوع بیماری‌های مختلف از جمله تیفوس، تیفوئید و انواع بیماری‌های عفونی را شرح می‌دهد. اسناد این مجلد، به‌طور عمده مربوط به اداره خدمات

استراتژیک و نیز گزارش‌های مطبوعاتی درباره اوضاع نابسامان داخلی ناشی از اشغال ایران است. برخی دیگر از گزارش‌های این جلد، مربوط به روزنامه فرانسوی زبان ژورنال دو تهران است. اسناد این مجلد، مربوط به دوره زمانی دسامبر ۱۹۴۱ تا سپتامبر ۱۹۴۳/آذر ۱۳۲۰ تا شهریور ۱۳۲۲ است. در جلد سوم بنا نام در مسیر تدارکات جنگ، اسناد مربوط به تحولات داخلی سال‌های ۱۹۴۲- ۱۳۲۱ /۱۹۴۱- ۱۳۲۰ پوشش داده شده است. بیشتر این اسناد، مکاتبات درِ پرفوس سفیر امریکا در ایران با وزارت امور خارجه ایالات متحده است.



► شهریور ۱۳۲۰. محمد رضا پهلوی در کنار محمدعلی فروغی هنگام ایراد سوگند در مجلس

اسناد این مجلد، از کمبود مواد غذایی و نابسامانی‌های ناشی از اشغال ایران از سوی متفقین سخن می‌گوید. در اسناد و گزارش‌های این مجلد، به فعالیت‌های ملیسو رئیس مالیه و شربدان مستشار امریکایی وزارت خورویبار نیز فعالیت‌های مرکز تدارکات خاورمیانه اشاره شده است. مرکز تدارکات خاورمیانه یک آژانس انگلیسی - امریکایی بود که بر جریان تدارکات غذایی نظمی به خاورمیانه در جنگ جهانی دوم کنترل کاملی داشت. جلد چهارم (مستشاران امریکایی)، اسناد اشغال ایران از دی‌ماه ۱۳۲۱ تا آبان ۱۳۲۳ را دربرمی‌گیرد. عمده اسناد مربوط به مکاتبات در پرفوس سفیر امریکا در تهران با وزارت خارجه ایالات متحده است. گزارش‌ها بیشتر درباره تحولات و مسائل داخلی کشور به‌ویژه مشکل کمبود خورویبار و راهکارهای دولت برای حل این بحران است. در بسیاری از اسناد، به فعالیت‌های وزارت خورویبار و شربدان مستشار امریکایی این‌وزارتخانه و نیز ملیسویو رئیس مالیه و فعالیت‌های مرکز تدارکات خاورمیانه اشاره شده است. یکی از پیامدهای اشغال ایران، استقرار دولت‌های ناپایدار بود. تغییر پی در پی کابینه‌ها که ناشی از اوضاع پریشان کشور و بی‌ارادگی شاه و رجال حکومتی از یک طرف و دخالت اشغالگران از طرف دیگر بود، روز به روز اوضاع را آشفته‌تر می‌کرد. گزارش‌های جلد پنجم منقوش به عنوان دولت‌های ناپایدار، مصادف با دولت‌های فروغی، قوام، سهیلی، ساعد و بیات است و در بسیاری از اسناد این مجلد، به اخبار مربوط به تغییر و تحولات این کابینه‌ها اشاره شده است. این مجلد از اسناد اشغال ایران، تحولات سیاسی اقتصادی سال‌های ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۴ را در برمی‌گیرد. بیشتر اسناد این جلد، مربوط به گزارش‌های در پرفوس از سفارت امریکا در تهران و مکاتبه با وزارت خارجه امریکا است. محتوای گزارش‌ها عمدتاً درباره تحولات سیاسی و مشکلات اقتصادی و کمبودهای ناشی از اشغال ایران است. گزارش‌های کنسولگری امریکا در تبریز و تحولات آذربایجان و حضور نیروهای روس در این منطقه نیز از جمله اسناد این مجلد است.».



تأملات و نکاتی تاریخی در پاسخ به روزنامه «هم میهن»

چه زود محک می‌خوریم!

■ **عباس سلیمی نمین**
در تاریخ پنجم اردیبهشت، کتاب «چالش‌های تاریخی» در کتابخانه ملی و با حضور فرهیختگان و نمایندگان رسانه‌ها رونمایی شد. در مقام باز نگرا امیداشت این مولود فرهنگی، روزنامه هم‌میهن مطالبی خلاف واقع به نویسنده اثر نسبت داد. با تصور اینکه مدیر محترم این جریده به حقوق قانونی مورد نقد قرار گرفتگان یا بینداست، جوابیه‌ای در ۱۲ اردیبهشت تقدیم شد، اما به رغم پیگیری‌ها، ظاهراً بنا نیست به کف تعاملات عامل باشیم. گاهی تکرار ادعاهای بسیار خاضع در مورد احترام به حقوق

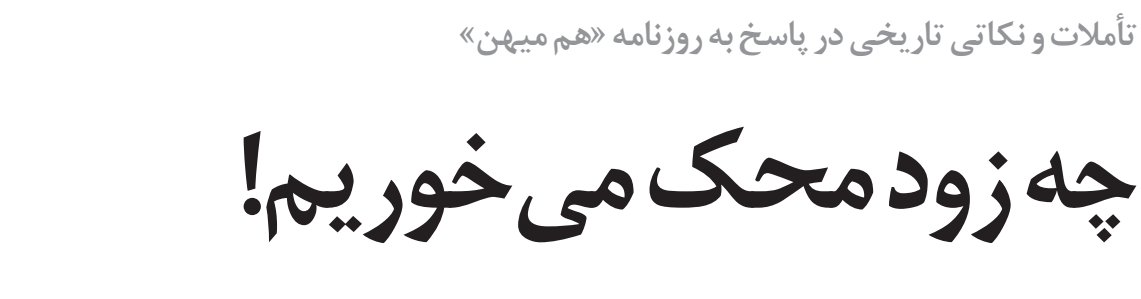
آحاد جامعه، مرأی‌نیز بعد از چهار دهه کار رسانه‌ای و پژوهشی دچار خوش‌باوری می‌کنند! صاحب رسانه‌ای که همه مطالب دو سو به «چالش‌های تاریخی» را به حد کفایت آزاداندیشانه نمی‌داند، شنیده شدن نظر مخالف را حتی در فرصت اعطایی قانون بر نمی‌تابد و بر این اساس با ادعای بلاوجه «جوابیه با موضوع مرتب نیست!» از چاپ آن سر باز زده است! به منظور آشکار سازی حقیقت در این زمینه و قضاوت خواهی از اهل نظر برای جدا کردن سر و از ناسره در مباحث مطرح شده، باید با متوسل به قانون شد یا به طرح گلابه‌ای نزد همکاران بسنده کرد. از این رو متمنی است همکار گرامی، به شنیده و دیده شدن این دفاعیه قلمی یاری رسانید.

■■■

جناب آقای غلامحسین کرباسچی، مدیر مسئول محترم روزنامه هم‌میهن
با سلام، عنایت ویژه هم میهن شماره ۴۹۱ مورخ ۱۴۰۳/۲/۶ به مراسم رونمایی کتاب «چالش‌های تاریخی» (تازه‌ترین اثر انتشارات دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران)، مسرا ناگزیر از ارائه توضیحاتی می‌کنم. امیدوارم سعه صدرتان، زمینه قضاوت دقیق‌تر مخاطبان آن جریده را فراهم آورد.

■ **چالش‌های تاریخی** «مدعی تاری‌نگاری نیست

بعد از ترجمه و چاپ کتابی از رونن بر گمن- نویسنده رژیم صهیونیستی- تحت عنوان «بیرد مخفی علیه ایران» (The SECRET WAR WITH IRAN) تا آبان ۱۴۰۱ به استقبال چشمگیری اهل مطالعه مواجه شد، بنده تلاش برای تبدیل چالش‌های تاریخی به اختلاف نظر‌ها در داخل کشور را ضروری پنداشتم، زیرا اختلاف دیدگاه‌ها نسبت به رخدادهای تاریخی رشد دهنده و سازنده است، اما چالش‌ها، ص‌ف‌بندی‌های کاذبی را موجب می‌شود و کسب تجربه از تاریخ را ناممکن می‌سازد. به اعتراف بر گمن و برخی هم‌سخنان وی تولید بسیاری از این چالش‌ها حاصل کارکرد پنهان این جماعت است (از سوق‌دهی جامعه به گرمی‌داشتن‌آبان‌ی‌رونن‌وزیر‌آزادی‌اشراقیت‌بهبود‌در‌بایل! تا تحركات تجزیه‌طلبان، جنگ تحمیلی و-)، بنابراین کتاب «چالش‌های تاریخی» هرگز مدعی تاریخ‌نگاری نیست، بر خلاف تئری که روزنامه هم‌میهن برای گزارش رونمایی ایسن اثر انتخاب کرده است: «تاریخ‌نگاری یک طرفه». در واقع، قالب انتخابی برای کمک به فهم سهل‌تر ریشه چالش‌هایی که حول شده که ضرورت پایبندی به مبانی منطقی برای تقویت جایگاه وحدت‌بخش تاریخ را یادآور شویم؛ این مهم هرگز با مباحث یک‌طرفه دست‌یافتنی نیست. از این رو در هیچ‌یک از چالش‌های هشت‌گانه حتی به مبحث «مستند» (نقلاب ۵۷) به صورت یک طرفه پرداخته نشده است، بلکه ابتدا برانگیز تاریخ‌ن‌دار، بلکه با این روش سعی شده که ضرورت پایبندی در قالب مباحث‌های دودیدگانه جایگاه وحدت‌بخش تاریخ را یادآور شویم؛ این مهم هرگز با مباحث یک‌طرفه دست‌یافتنی نیست. از این رو در هیچ‌یک از چالش‌های هشت‌گانه حتی به مبحث «مستند» (نقلاب ۵۷) به صورت یک طرفه پرداخته نشده است، بلکه ابتدا برنامه چندین ساعته شبکه «هن و تو» پیاده و تنظیم شده و سپس در قالب مباحث‌های دودیدگانه در کنار هم عرضه گردیده است تا قدرت تمیز سره از ناسره به شکل منطقی شکل گیرد. سایر مباحث هم در قالب مناظره شفاهی یا مکتوب دنبال شده است، یعنی



مرط‌ح‌ترین افراد فرص یافته‌اند در مورد مقاطع مختلف تاریخی به صورت دو سو به نظرات و دیدگاه‌های خود را مطرح سازند. معلوم نیست با چه شاخص و معیاری، روزنامه هم‌میهن این روش را یک‌سو به خواننده است! ای کاش وقتی نتیجه یک تلاش منطقی در جهت رشد معرفت در جامعه‌مان به مذاق سیاسی‌مان نساخت، غیر منصفانه به تخطئه آن مبادرت نورزیم، مگر آن‌که راه بهتر و مؤثرتری برای نزدیک‌تر کردن نگاه آحاد جامعه به تجربیات تاریخی ارائه کنیم.

■ **مدلی برای کاستن از چالش‌های تاریخی**

دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران در این اثر، مدلی برای کاستن از چالش‌های تاریخی و نزدیک ساختن آن به مناظرات مستند ارائه کرده است. طبعاً اگر دغدغه افزایش شناخت و معرفت جامعه را داشته باشیم، تلاش برای ایجاد شرایط برابر جهت طرح نظرات متفاوت را مغتنم می‌شماردیم و به رفع نواقص آن همت می‌گماردیم. آیا به کارگیری کلماتی چون «زریق» برای ارائه سند و مأخذ را شایسته می‌دانید. «بخش عمده‌ای از کتاب جدید سلیمی نمین با عنوان «چالش‌های تاریخی»، به متن مناظرات و مباحثاتی که نویسنده کتاب با چهره‌های مختلف سیاسی و تاریخی در فضای رسانه و محافل گوناگون پرداخته بود، باز می‌گردد و کنار آن مستنداتی ارائه داده است. و (ابه‌) عبارتی به تزیق نظرات نویسنده بدل شده است...» آیا توسل به این مثنی تخریبی به این دلیل نیست که عمده شرکت‌کنندگان در مناظرات مکتوب و شفاهی که به نوعی به گرایش سیاسی رونامه هم‌میهن نزدیکند، در ارائه بحث‌ها حتی یک سند نیز ارائه نکرده‌اند؟! برای نمونه، شروین و کیلی در مطلب مکتوب خود درباره ادعاهایی متنوع حتی یک سند ارائه نمی‌دهد یا در مناظره شفاهی پیرامون کودتای ۱۲۹۹ بیانگاه و



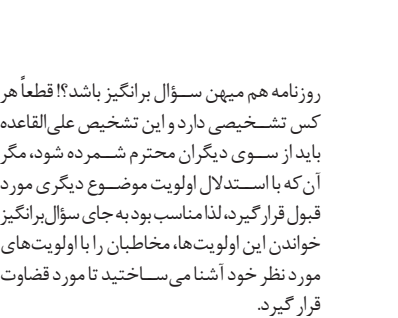
■ **ابراهیم یزدی سال‌ها قیل از آن که چشم از جهان فرو بندد، خاطرات خود را مکتوب و در سایت بنیاد فرهنگی مهندس بازرگان بارگذاری کرد که انتشارات کویر نیز آن را بعدها به چاپ رسانند. در این خاطرات به هیچ وجه سخنی از ملاقات ادعایی و قاعد تا مهم وی با امام در بعدازظهر ۱۳ آبان ۱۳۵۸ به میان نیامده است، در حالی که اگر این ادعا کمترین بهره‌ای از حقیقت برده بود، باید به‌طور مفصل به آن می‌پرداخت**

عاریخ

تاریخ ۰۶۰۸۵۲۳



بر نتابیدن نهضت آزادی از جانب بنده به چه معنی است؟ مگر صاحب این قلم جز بحث فکری و تاریخی با ا‌ین جریان سیاسی، مسئله دیگری داشته است؟ طبعاً در این مباحثات اگر ثابت شده که مسئول نهضت سخنی خلاف واقع با ناروا به شخصیتی مانند امام خمینی نسبت داده، و وظیفه اخلاقی و حق‌طلبی ایجاب می‌کرد که چنین فعل و رویکردی را بسر نتابیم، بنابراین «بر نتافتن» به فعل و رویکرد غلط‌باز می‌گردد و نه چیز دیگر



روزنامه هم میهن سؤال برانگیز باشد؟! قطعاً هر کس تشخیصی دارد و این تشخیص علی‌القاعده باید از سوی دیگران محترم شمرده شود، مگر آن‌که با استدلال اولویت موضوع دیگری مورد قبول قرار گیرد، لذا مناسب بود به جای سؤال برانگیز خواندن این اولویت‌ها، مخاطبان را با اولویت‌های مورد نظر خود آشنا می‌ساختید تا مورد قضاوت قرار گیرد.

۵- «هر مین بی‌طرفی» را توصیه کرده‌اید، هر چند معتقدم هیچ صاحب‌نظری در حوزه فکر و فرهنگ بی‌طرف نیست، به عبارت دیگر اهل فکر را نمی‌توان سراغ گرفت که به لحاظ سلیقه، جهت نداشته باشد و بی‌طرفی القایی از سوی کارتل‌های رسانه‌ای فیزی بی‌ش نیست. اما مورخ نیز مانند هر نویسند‌ای باید اهل انصاف و حق‌طلبی باشد، یعنی در مقام نگارش اگر سلیقه سیاسی اصولگراییان، اصلاح‌طلبان یا هر جریان دیگری را می‌پسندد، آن را در قضاوت و روایت کردن‌های خود دخالت ندهد، تأمل برانگیز آن‌که از یک‌سو را دعوت به بی‌طرفی می‌کنند، اما از دیگر سو روزنامه هم‌میهن همانند فرض صحت ادعای شما مبنی بر این‌که صاحب این قلم نهضت آزادی را می‌کرد، طرف دیگر بحث به هیچ اشاره‌شد مفهوم آن دقیقاً مشخص نیست، بگذارند مسئولان این تشکل خود جوابگوی موضع‌گیری‌ها کتاب‌های ایشان باشند. اگر آنچه در فصل هفتم از تمذی و در نهایت در برابر اسناد ارائه شده، نقاب‌تفتی می‌شد که یابندگی به مستندنگاری و روایت مرحوم ابراهیم یزدی را پذیرفت قبول ندارند، مستند روایت خود را منکس سازند.

■ **روایتی از حضور الویری در رونمایی چالش‌های تاریخی**

اما در مورد ماجرای دعوت از آقای الویری و قبول آن «عباس سلیمی نمین از چهره‌های اصولگرایی است که طبیعتاً علاوه بر زویه داشتن با جریان اصلاحات به عنوان رهبر اصلی این جریان بی عرصه میبوده کشور، تشکل‌هایی مانند نهضت آزادی و جبهه ملی را هم همانند همسنگری‌هایش بر نمی‌تابد و البته شاید اگر در ابتدای بحث و توری کتاب تنها موردی مانند انتخاب چالش‌های مطرح شده در کتاب و محتوای آن، سؤال‌تری را برای خواننده درباره گزینش مطالب ایجاد می‌کرد، اما حضور در این جلسه و سخنانی که در آن مطرح شد به شکل عجیبی تکراری درباره نوع تاریخ‌نگاری این دسته از افراد که علقه سیاسی خاصی دارند و تأکید بر بی‌طرفی نگارش را در جایگاه یک نویسنده مطرح می‌کنند، قوت می‌دهد.» (روزنامه هم‌میهن شماره ۴۹۱، مورخ ۲/۶/۱۴۰۳، از مقدمه گزارش تاریخ‌نگاری یک طرفه)
■ **آیا دفاع از حقیقت، ملازم با جناحی بودن است؟**

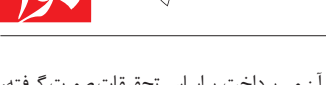
۱- در این زمینه تذکر چند نکته ضروری است:
۱- اصولگرایی بودن یا نبودن، چه از تطابق یا قوت و ضعف مطالب و محتوای آن دارد؟ آیا اگر نویسنده اصولگرا نبود، به‌طور طبیعی موقعیت کتاب نزد گزارش‌گر روزنامه از تقا می‌یافت؟ اگر خیر، چرا از همان ابتدا به جای نقد محتوا به پرسجسب‌نزی می‌پردازیم؟!

۲- آیا روزنامه هم‌میهن به معنی «قب و «قابت» توجه دارد؟ صاحب این قلم در کدام صحنه رقابت داشته‌ام؟ فردی که در دوران نمایندگی رهبری محمد خاتمی به مؤسسه کیهان وارد شد و در دوران مدیریت اصولگراییان بر کیهان بعد از ۱۶ سال مدیریت نشریات مختلف این مؤسسه، آن را ترک کرد و تاکنون دغدغه‌های جز فرهنگ نداشته، یعنی به دنبال مسئولیتی نبوده است، رقیب سیاسی چه فرد و جریانی محسوب می‌شود؟

۳- بر نتابیدن نهضت آزادی از جانب بنده به چه معنی است؟ مگر صاحب این قلم جز بحث فکری و تاریخی با این جریان سیاسی، مسئله دیگری داشته است؟ طبعاً در این مباحثات اگر ثابت شده که مسئول نهضت سخنی خلاف واقع با ناروا به شخصیتی مانند امام نسبت داده

شده، و وظیفه اخلاقی و حق‌طلبی ایجاب می‌کرد که چنین فعل و رویکردی را بر نتابیم. زمانی که نهضت آزادی رفتار نمود جز به کردستان عراق را محکوم کرد، این موضع‌گیری درست مورد تحسین صاحب این قلم قرار گرفت، بنابراین «بر نتافتن» به فعل و رویکرد غلط‌باز می‌گردد. در مورد جبهه ملی بحث شخصی نداشته‌ام، اما به‌طور نمونه درباره ملیون واقعی، یکی از انتقادات بنده به مرحوم یزدی در فصل چهارم کتاب آن است که چرا شام‌بین نیروهای مذهبی و ملی واقعی (نه ناسیونالیست وار داتی) نزاع کاذب ایجاد می‌کنند؟ چون این دو نیرو که قطعاً بدون اشتباه نبودند، در مبارزه برای ملی شدن صنعت نفت صادقانه عمل کردند.

۴- چرا باید تشخیص صاحب این قلم در مورد این‌که پرداختن به کدام چالش‌های تاریخی اولویت دارد، برای



آن می‌پرداخت. براساس تحقیقات صورت گرفته، در دفتر امام نیز نشانی از این ملاقات نیست و هکذا در صحیفه امام، بنابراین علاوه بر مطالب مکتوب، ناوشسته‌ها نیز بر ساختگی بودن آنچه یزدی در جلسات خصوصی و محفلی در اواخر عمر مطرح می‌کند، گواهند...» (ص ۷۱۴)

در عین حال آقای الویری قول داد در جلسه مستقلی، بحث در این زمینه را ادامه دهد که فرصت را مغتنم می‌شمارم و به شما به عنوان مدیرمسئول هم‌میهن پیشنهاد می‌کنم به منظور روشن شدن ادعاهای دو دبیر کل نهضت (سابق و فعلی)، امکان بحثی دو سو به را فراهم آورید، شاید بتوانیم به یاری شما الگوی بهتری از بحث‌های تاریخی دو طرفه عرضه داریم. در رست بر خلاف آنچه به من نسبت داده شد که نهضت آزادی را بر نمی‌تابم، در دوران دبیر کلی مرحوم مهندس بازرگان بحث دو جانبه‌ای بین ایشان و نشری به تحت مدیریت صاحب این قلم صورت گرفت، به این ترتیب که ایشان مقاله‌ای را به همراه نامه خود برابرم فرستاد و خواستار آن شد که مقاله پیوست را که برای روزنامه لوموند فرستاده، اما درخ آن امتناع شده بود، بنده در کیهان هوایی انعکاس دهم. مقاله ایشان بی‌کم و کاست (البته به همراه جوابیه‌ای) به چاپ رسید. در بی آن مطلب دیگری ارسال شد که آن نیز به همین منوال درج شد. بعد از چند بار بحث قلمی رفت و برگشتی، ایشان نامه نوشت (که همچنان نزد من محفوظ است) و ضمن تشکر از این روبه‌اعلام کرد که برای معالجه به خارج از کشور می‌رود و در صورت باز یافتن سلامت خود، مایل است این بحث ادامه یابد که متأسفانه اجل مهلت نداد. اما بحث‌های رد و بدل شده، به صورت جزوه در آن زمان به چاپ رسید آنچه امروز با آن مواجهیم، طرح شدن ادعایی خلاف واقع از سوی ابراهیم یزدی آن هم در یک محفل بسته (منزل عبدالله نوری) و نه در رسانه‌ها و اصرار بر خطاست، بدون آن‌که سندی ارائه شود.

■ **کاش به اندازه بازرگان انصاف به خرج می‌دادید!**

اگر مایلیم قلم‌ها فاخر شوند و جایگاه فریختگی در جامعه ارتقا یابد، می‌بایست مستندنویسی و مستندگویی در جامعه تقویت شود. آقای کاش گزارشگر محترم جریده شما در اسناد موضوعات مراسم رونمایی کتاب، به اندازه مرحوم بازرگان در قبال تلاشی سخت و دشوار برای باز کردن فضای فکری جامعه، انصاف به خرج می‌داد و به پیشه مقدمه فصل‌ها، گزینش چالش‌ها ... و به ایسن مولود جدید عرصه نشر نمی‌تاخت. متهم‌کننده نویسنده به عدم رعایت بی‌طرفی، حاضر نیست به همفکران خود که در مناظرات مکتوب و شفاهی حتی زحمت ارائه یک سند را به خود نمی‌دهند کمترین اشاره‌ای بنماید، چه برسد به اینکه به اسم از آنان انتقاد کنند. وی علاوه بر نیش و کنایه‌ها در مقدمه طولانی‌اش در سخن‌پایانی می‌نویسد: «اما آنچه در بخش‌های مختلف نگارش کتاب و حتی جلسه به چشم می‌آید، القای نظر (نه صرفاً در بیان تفاوت روایت، بلکه در مسیر تخریب روایتگران طرف مناظره و طری دو جلسه نمین با هم بوده است. نویسنده کتاب مدعوبن جلسه که همه از قلم و کتاب نویسنده تقدیر کردند، به این موضوع اشاره کردند که یکی از روش‌های جلوگیری از انحراف تاریخ، تلاش برای نگارش بی‌طرفانه آن است که آن هم نیز مانند تلاش نویسنده در درج محتوا بدون سوگیری است، به‌ویژه که این القائات در ایسن کتاب در ابتدای هر بخش آمده و موجب شده است بیش از مطالعه، نگاه رزندهای نویسنده بر محتوای نیش‌روی خواننده سایه افکند و عملاً یک تاریخ‌نگاری بی‌طرفانه، را که به زعم نویسنده‌اش با انتشار دو سوی دو مستند تحلیل در این کتاب قرار بوده رخ دهد تحت‌الشعاع بی‌طرفانه است.» (روزنامه هم‌میهن، شماره ۴۹۱، مورخ ۱۴۰۳/۲/۶)

آقای کرباسچی! روزنامه شما که یک مقدمه کوتاه عرض کردم در جلسه رونمایی فر ست دارید این مطلب را بیان دارید. گفته شد در فرصت محدود ۱۵ دقیقه‌ای که به من اختصاص داده شده، نمی‌توانم سخنانم را مطرح سازم. عرض کردم این زمان را به نیم ساعت افزایش می‌دهیم، ضمن اینکه اگر ادعای دبیر کل نهضت درست باشد، فقط کافی است شما کمی خبر یکی از جراید مورد اشاره را به جلسه داشته‌ام؟ فردی که در دوران نمایندگی رهبری محمد خاتمی به مؤسسه کیهان وارد شد و در دوران مدیریت اصولگراییان بر کیهان بعد از ۱۶ سال مدیریت نشریات مختلف این مؤسسه، آن را ترک کرد و تاکنون دغدغه‌های جز فرهنگ نداشته، یعنی به دنبال مسئولیتی نبوده است، رقیب سیاسی چه فرد و جریانی محسوب می‌شود؟
۳- بر نتابیدن نهضت آزادی از جانب بنده به چه معنی است؟ مگر صاحب این قلم جز بحث فکری و تاریخی با این جریان سیاسی، مسئله دیگری داشته است؟ طبعاً در این مباحثات اگر ثابت شده که مسئول نهضت سخنی خلاف واقع با ناروا به شخصیتی مانند امام نسبت داده شده، و وظیفه اخلاقی و حق‌طلبی ایجاب می‌کرد که چنین فعل و رویکردی را بر نتابیم. زمانی که نهضت آزادی رفتار نمود جز به کردستان عراق را محکوم کرد، این موضع‌گیری درست مورد تحسین صاحب این قلم قرار گرفت، بنابراین «بر نتافتن» به فعل و رویکرد غلط‌باز می‌گردد. در مورد جبهه ملی بحث شخصی نداشته‌ام، اما به‌طور نمونه درباره ملیون واقعی، یکی از انتقادات بنده به مرحوم یزدی در فصل چهارم کتاب آن است که چرا شام‌بین نیروهای مذهبی و ملی واقعی (نه ناسیونالیست وار داتی) نزاع کاذب ایجاد می‌کنند؟ چون این دو نیرو که قطعاً بدون اشتباه نبودند، در مبارزه برای ملی شدن صنعت نفت صادقانه عمل کردند.

۴- چرا باید تشخیص صاحب این قلم در مورد این‌که پرداختن به کدام چالش‌های تاریخی اولویت دارد، برای

توجه جامعه پاسخی در خور دهیم.